

بررسی کنوانسیون حمایت از آثار فرهنگی در حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۸/۰۳)

شراره زبردست

دارنده تندیس پژوهشگر برتر از بنیاد علمی قانون یار سال ۱۴۰۲

چکیده

در حال حاضر از مهم ترین دغدغه های دولت ها و بشر که در بسیاری از معاهدات بین المللی وجود دارد اموال و میراث فرهنگی می باشد. با اینکه قواعد عرفی جهان شمول در این زمینه وجود ندارد جامعه جهانی و حقوق بین الملل در خصوص حفاظت از اموال فرهنگی در سال های اخیر پیشرفت بسیاری داشته اند از زمان تاسیس یونسکو (سازمان فرهنگی علمی و تربیتی سازمان ملل متحد) بسیاری از کشورهای صادر کننده و وارد کننده اموال فرهنگی تعهداتی برای پیشگیری از دادوستد غیرقانونی اموال فرهنگی پذیرفته اند و در خصوص جنگ و مخاصمات مسلحانه گرچه وجود معاهدات در خصوص ممنوعیت انجام اقدامات متقابل علیه دولت دیگر مخصوصا علیه افراد و اموال غیر نظامی ممنوع شده است، متأسفانه این اقدامات همچنان در حال انجام می باشد و موجب ورود خسارت بسیار نسبت به اماکن مذهبی، موزه ها، کتابخانه ها و بناهای باستانی شده است که تبعات غیرقابل جبرانی برای کشورها و دولت ها دارد. برای مثال جنگ ایران و عراق و حمله تهاجمی عراق باعث آسیب به آثار باستانی در اصفهان، شوشتر و قصر شیرین شد که اقدامات متقابل ایران که تلافی جویانه بوده اند نیز آسیب هایی به اموال و اماکن عراق وارد آورد. همین طور می توان به اقدامات داعش در سوریه نیز اشاره کرد و هم اکنون نیز اقدامات روسیه در اوکراین جهت جلوگیری از این آثار و تبعات پس از جنگ جهانی دوم چند معاهده و کنوانسیون بین المللی تدوین شد که شامل معاهدات ۱۹۰۷ و ۱۸۹۹ لاهه و کنوانسیون



۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی و پروتکل آن و کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل آن در ۱۹۷۷ و مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه اشاره کرد. در این راستا تحقیق حاضر با بررسی معاهدات و اقدامات کشورهای درگیر مخاصمه در زمان جنگ به بررسی موارد و مسائل و کنوانسیون حاضر به بررسی مواردی که تاکنون موجبات بروز خسارت به اموال فرهنگی شده‌اند می‌پردازد و از آنجایی که جنگ و مخاصمات مسلحانه از بزرگ‌ترین مشکلات در روابط بین دولت‌ها است و باتوجه به آسیب‌های وارده به میراث و اموال فرهنگی دولت‌ها در زمان جنگ که جزء آسیب‌های غیرقابل جبران بشر محسوب می‌شود لزوم بررسی هدف‌های نظامی و غیرنظامی و لزوم منع اقدامات متقابل به برضد اموال غیرنظامی و فرهنگی در زمان جنگ وجود دارد.

واژگان کلیدی: کنوانسیون، اهداف نظامی و غیرنظامی، اموال فرهنگی، اقدامات متقابل، جنگ

بخش اول: تبیین مفهوم اموال فرهنگی و مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه هر چند به حمایت از اموال فرهنگی اختصاص داشته و نیز به رغم اینکه در مواد اولیه‌ی خود دست به تبیین مفهوم اموال فرهنگی می‌زند اما هیچ‌گاه تعریفی روشن از آن به دست نمی‌دهد و به بیان مصادیق اکتفا می‌کند. البته برخی از اندیشمندان بر این طریقه خرده نگرفته و نظر به تنوع تعاریف واژه‌ی فرهنگ، در نتیجه ارائه‌ی تعریفی ثابت و دقیق از اموال فرهنگی را نیز سخت می‌دانند. (نوربهاء، ۱۳۷۱: ۲۰۸) کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در بندهای اول تا سوم ماده‌ی ۱ این گونه بیان می‌دارد: (به موجب کنوانسیون حاضر اموال فرهنگی صرف نظر از مبدأ یا مالکیت آنها عبارت‌اند از: اولاً، اموال منقول یا غیر منقولی که واجد اهمیت فراوان برای میراث ملی کشورهاست نظیر بناهای معماری، هنری یا تاریخی، مذهبی یا غیر مذهبی، اماکن باستانی، مجموعه تأسیساتی که معرف نفعی تاریخی یا هنری است، آثار هنری، دست‌نوشته‌های کتاب‌ها یا دیگر اسناد واجد نفع هنری و تاریخی یا باستان‌شناسی،



همچنین مجموعه های علمی و کتاب های مهم، آرشیو و یا تولید مجدد اموال یاد شده است. ثانیاً، بناهایی که هدف و مقصد اصلی ایجاد آنها حفظ و یا در معرض نمایش گذاردن اموال منقولی است که در بند بالا بدان اشاره شده است نظیر موزه ها، کتابخانه های بزرگ، مخازن آرشیوها و نیز محل های امنی که به منظور در پناه قرار دادن اموال فرهنگی منقول مذکور در بند فوق به هنگام مخاصمه ی مسلحانه آماده شده است. ثالثاً، مراکزی که تعداد قابل ملاحظه ای از اموال جنگی را که در بندهای اول و دوم بدانها اشاره شد در بر می گیرند و به آنها مراکز ابنیه و آثار می گویند). بنابراین، اصطلاح (اموال فرهنگی) مقرر در ماده ی ۱ به اموال منقول و غیر منقولی اشاره دارد که واجد اهمیت اساسی برای میراث فرهنگی مردم خود است؛ به عبارت دیگر، دارای اهمیت عمده برای میراث فرهنگی ملی هر یک از طرف های آن کنوانسیون باشد. (O'Keefe, ۲۰۰۶: ۱۰۴) علاوه بر این، ماده ی ۵۳ پروتکل ۱۹۷۷ اول الحاقی به کنوانسیون های ژنو در مقام استثنای اموال فرهنگی از اهداف نظامی، مصادیق آن را این گونه بر می شمارد: (ابنیه ی تاریخی، آثار هنری یا مکان های عبادت که متضمن میراث معنوی و فرهنگی برای مردم باشند. در کنار موارد فوق، کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو در خصوص تدابیر لازم برای ممنوعیت و جلوگیری از ورود، خروج و انتقال مالکیت غیر مجاز اموال فرهنگی. می توان گفت دست به ارائه ی تعریف زده است و در ماده ی ۱ بیان می دارد که منظور از اموال فرهنگی، اموالی است که اعم از مذهبی یا غیر مذهبی، اهمیت آنها از نظر باستانشناسی، ماقبل تاریخ، تاریخی، ادبی، هنری یا علمی، از جانب هر دولت مورد تصدیق واقع شده باشد).

گفتار اول: مفهوم حقوق مخاصمات مسلحانه

مخاصمات مسلحانه (Armed Conflict) یا جنگ (War) از جلوه های بارز توسل به زور (Use of Force) است. توسل به زور در دو مفهوم مضیق و موسع مطرح می شود که در معنی مضیق آن به معنی هر گونه عمل قهر آمیزی است که نتوان آن را اقدامی نظامی قلمداد کرد؛ اما در مفهوم موسع، کلیهی عملیات و تدابیر نظامی از جمله جنگ را شامل می شود. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۴۴) اسرار طبق تعریفی، جنگ بعنوان ابزار سیاست ملی، مجموعه ی عملیات و اقدامات قهر آمیز مسلحانه ای است که



در چهارچوب مناسبات میان کشورها اعم از اینکه دو یا چند کشور باشند روی می دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می شود. در این جهت حداقل یکی از طرفین مخاصمه در صدد تحمیل نقطه نظرهای سیاسی خویش بر دیگری است. بدین ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه، وسیله و هدف تحمیل اراده ی مهاجم است. (همان: ۴۷)

بنابراین، مخاصمه ی مسلحانه عبارت است از اینکه ارکان نیروهای مسلح مخالف، به طور عمدی در گیر عملیات نظامی علیه یکدیگر شده و یا آنکه اهدافی در داخل سرزمین یا آب های سرزمین دولت دیگر عمده طرف حمله قرار بگیرد. (راجرز، ۱۳۸۲: ۴۳) که می تواند شکل بین المللی و غیر بین المللی یا داخلی داشته باشد.

گفتار دوم: حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و بررسی چارچوب های آن

با توجه به اینکه ویرانی یا انهدام هر قسمت از میراث فرهنگی و طبیعی موجب فقر شدید میراث همه ملل جهان می گردد (، ۱۹۷۲, the World Cultural Convention at preamble)، این مباحث از مرزهای داخلی فراتر و وارد حوزهی حقوقی بین المللی شده است. در نتیجه حقوق بین الملل اقدام به طرح ریزی منابعی قانون ساز و عام در خصوص موضوع نموده و گاه نیز هنجارهایی در قالب عرف به طور خودبه خود سر بر آورده است. در مقابل، نگاهی گذرا به تاریخ حیات بشری نشان می دهد که یکی از عناصر پایدار تاریخ بشر، جنگ است. بنابراین، هیچ دوره ای از تاریخ را نمی توان یافت که در آن اثری از خشونت و جنگ نباشد. چرا که دولت ها مهم ترین روش برای دستیابی به اهداف و منافع ملی خود و یا رفع اختلافات خود در روابط بین المللی را کاربرد زور دانسته و معمول ترین اعمال زور، جنگ و یا مخاصمه ی مسلحانه بوده است. به همین خاطر تا مدت ها توسل به زور در حقوق بین الملل مجاز شمرده می شد. به پندار برخی اندیشمندان صلح حالتی موقت داشته و حال آنکه مخاصمه امری دائمی و همیشگی است. (از غندی، ۱۳۸۴: ۹) حقوق بین الملل، در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه تمهیداتی اندیشیده است. اسناد نوشته ای نظیر کنوانسیون



مربوط به حمایت از میراث طبیعی و فرهنگی جهانی، کنوانسیون لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و پروتکل‌های الحاقی آن و کنوانسیون مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی غیر مادی موجود است که همه‌ی آنها مستقیماً به موضوع حمایت از اموال فرهنگی می‌پردازند. در کنار این موارد می‌توان مقرراتی را در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در کنوانسیون‌هایی نظیر کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نیز یافت. همان‌طور که گفته شد، حقوق حمایت از اموال فرهنگی بخشی از حقوق مخاصمات مسلحانه است و حقوق مخاصمات نیز در قالب معاهدات بین‌المللی، عرف، رویه‌ها و اصولی حقوقی تجسم می‌یابد....جامعه‌ی بین‌المللی، برای حمایت از اموال فرهنگی در طول مخاصمات مسلحانه تلاش‌های بسیاری از طریق مقررات خاص حقوق مخاصمات مسلحانه و نیز انعقاد معاهدات چندجانبه‌ی عام نموده است. با این وجود، ایراد خسارت به اموال مزبور در قرن بیستم نشان داد که این اقدامات برای تضمین حمایت از آن اموال کافی و کارآمد نیست. در نتیجه ناچار باید به دنبال قواعد حقوق بین‌الملل عرفی بود. ممنوعیت کلی خسارت به اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه: کنفرانس عمومی یونسکو در بیست و هفتمین نشست خود اعلام داشت که (اصل بنیادین حمایت و حفاظت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه)، آن‌طور که بعنوان (تعهد به احترام) متصور است و در ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه آمده است و به موجب این کنوانسیون در مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی و غیر بین‌المللی اعمال می‌شود می‌تواند به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفته شود که هریک از طرف‌های درگیری باید اموال فرهنگی را محترم شمارند و در عملیات نظامی بایستی به منظور اجتناب از آسیب‌رسانی به بناهای مذهبی، هنری، علمی، آموزشی یا مختص امور خیریه و بناهای تاریخی دقت ویژه به عمل آورند، مگر آنکه بناهای مزبور اهداف نظامی باشد. اموالی که از نظر میراث فرهنگی هر ملت حائز اهمیت فراوان است نباید هدف حمله قرار گیرد مگر آنکه ضرورت حتمی نظامی ایجاب کند.



رویه ی دولت ها، قاعده ی فوق الذکر را به منزله ی یک قاعده ی عرفی حقوق بین الملل در هر دوزمینه ی مخاصمات مسلحانه ی بین المللی و غیر بین المللی قابل اعمال می داند. در حقیقت، هر گونه عمل خسارت بار علیه اموال فرهنگی دارای اهمیت زیاد، با هر وسیله ی مخربی که انجام شود، به موجب حقوق بین الملل عرفی قطعاً موجب مسئولیت کیفری فردی خواهد شد. اینکه اعمال مزبور در مخاصمات مسلحانه ی بین المللی صورت گیرد یا غیر بین المللی تفاوتی در اصل قضیه نخواهد داشت. (O'Keefe, ۲۰۱۰).

استفاده از اموال دارای اهمیت زیاد از نظر میراث فرهنگی هر ملت برای مقاصدی که احتمال دارد آن اموال را در معرض انهدام یا آسیب قرار دهد، ممنوع است، با این استثنا که ضرورت نظامی ایجاب کند. این قاعده که در ماده ی ۴ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه مندرج است و مفاد آن در خصوص مخاصمات مسلحانه ی بین المللی و غیر آن مجری است، در رویه ی دولت ها به منزله ی یک قاعده ی عرفی حقوق بین الملل در هر دو زمینه ی مخاصمات پیش گفته قابل اعمال است. (ibid: ۱۳۱) اصل حفظ و حمایت از اموال فرهنگی در کنوانسیون لاهه بر حسب اعلام کنفرانس عمومی یونسکو و کشورهایی که عضو کنوانسیون نیستند، بعنوان انعکاس قواعد حقوق بین الملل عرفی قلمداد می شود. UNESCO ۱۹۹۳ (General Conference), به موجب قواعد حقوق بین الملل عرفی، شمول این قاعده نسبت به مخاصمات مسلحانه ی غیر بین المللی توسط دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی در قضیه تادیچ در سال ۱۹۹۵ به رسمیت شناخته شد و به علاوه این قاعده در سایر اسناد مربوطه به مخاصمات مسلحانه ی غیر بین المللی نیز مندرج است.

ممنوعیت استفاده از اموال دارای اهمیت زیاد از نظر میراث فرهنگی هر ملت برای مقاصدی که احتمال دارد آن اموال را در معرض انهدام یا آسیب دیدگی قرار دهد مگر آنکه ضرورت نظامی ایجاب کند، در دستورالعمل های نظامی متعددی عنوان گردیده است. (Henckaerts and Doswald-Beck, ۲۰۰۵) این دستورالعمل ها شامل دستورالعمل های کشورهای غیر عضو کنوانسیون لاهه نیز است. به علاوه در دستورالعمل های نظامی متعددی ذکر گردیده است که استفاده از یک ساختمان



برخوردار از مصونیت برای مقاصد نادرست به منزله ی جنایت جنگی است. در رویه ی کشورها نیز اشاره مشخصی به ممنوعیت استفاده از اموال فرهنگی به عنوان سپر عملیات نظامی گردیده است. در سال های اخیر نیز در خلال هجوم نیروهای نظامی ایالات متحده به عراق، مسئله ی حمایت از اموال فرهنگی از آنجایی که ایالات متحده طرف کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه نبود، مطرح شد. ایالات متحده به ماهیت عرفی داشتن اصل حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه بارها اذعان داشت و بیان نمود که رژیم موجود در کنوانسیون لاهه را بعنوان حقوق بین الملل عرفی قلمداد کرده و خود را پایبند به آن می داند. (Posner ۲۰۰۶) ممنوعیت هدف حمله قرار دادن اموال فرهنگی: در چهارچوب حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه، این قاعده که اهداف غیر نظامی مورد هدف حملات قرار نخواهند گرفت، به عنوان اعمال بنیادین اصل اساسی تفکیک، بعنوان یکی از اصول حقوق بین الملل عرفی (ICJ Advisory Opinion ۱۹۹۶) که در ماده ی ۴۸ و بند ۱ ماده ی ۵۲ پروتکل اول الحاقی آمده است، به ضرس قاطع یک قاعده ی حقوق بین الملل عرفی است. عرف در زبان بند دوم ماده ی ۵۲ پروتکل اول این را دیکته می کند که حملات به شدت محدود به اهداف نظامی خواهد بود. (Henckaerts, ۲۰۰۷, and Dowald-Beck) به علاوه تردیدی نیست که حقوق بین الملل عرفی مسئولیت کیفری فردی در قبال حمله به اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه اعم از داخلی یا بین المللی را نیز به رسمیت شناخته است. در خصوص اینکه چه چیزی هدف نظامی محسوب می شود حقوق بین الملل عرفی بات عریف مندرج در بند دوم ماده ی ۵۲ این پروتکل تا حد زیادی یکسان است. به موجب حقوق بین الملل عرفی: اهداف نظامی به اهدافی محدود می شوند که به موجب طبیعت، محل، هدف یا کاربرد آن دارای سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته و انهدام جزئی یا کلی، ضبط یا بی طرف اعلام کردن آنها، در اوضاع و احوال رایج آن زمان، مزیت نظامی قطعی را در پی خواهد داشت. با اعمال تعریف فوق، اموال فرهنگی در مفهوم کلی ساختمان های اختصاص یافته به مذهب، هنر، علم یا اهداف خیریه و بناهای تاریخی که در ماده ی ۲۷ مقررات لاهه آمده است، در مفهوم فنی اموال منقول یا غیر منقول دارای اهمیت فوق العاده برای میراث فرهنگی مردم که در ماده ۱



کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه آمده است و در مفهوم کلی تر بناهای تاریخی، آثار هنری، مکانهای عبادت که میراث فرهنگی یا روحی مردمی تلقی شوند. مندرج در بند الف ماده ۵۳ پروتکل اول، می تواند همگی اهداف غیر نظامی قلمداد شوند. به عنوان مثال، هرچند تعریف دقیق مندرج در بند دوم ماده ۵۲ پروتکل اول، در کلیت آن مورد پذیرش ایالات متحده واقع نشده و بیشتر کشورهای دارای نفوذ نیز عضو پروتکل اول نیستند، اما اولاً عناصر بحث برانگیز آن مستقیماً به اموال فرهنگی مربوط نمی شود و ثانیاً ایالات متحده بند دوم ماده ۵۲ را در دو مورد از آیین نامه های نظامی خود آورده است. (Department of the Army, para ۱۹۷۶ and Department of Air Force). این ماده به هیچ وجه تعریف عرفی پذیرفته شده که در بسیاری از عهدنامه ها هم آمده و توسط قضات نیز مورد حمایت واقع شده است را تغییر نداده است. پس در تحلیل نهایی تردیدی باقی نمی ماند که اموال فرهنگی در معنای وسیع کلمه، در خلال مخاصمات مسلحانه مشمول ممنوعیت عرفی حمله به اهداف غیر نظامی میشوند.

گفتار سوم: بررسی و توجه جامعه جهانی به حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ

تاریخچه توجه جهانی به حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ تحدید دامنه جنگ یا به عبارت دیگر اتخاذ شیوه هایی در جلوگیری از بروز جنگ به منظور مصونیت جامعه بشریت خسارت جانی مالی اجتماعی و فرهنگی آن ریشه در روزگاران درازی دارد که اندیشمندان جامعه بشری طرق مختلف آن را تبیین و جوامع بشری به شیوه های مختلف اجرا تجربه کردند در سال های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، دو کنوانسیون بین المللی راجع به جنگ و تبعات آن در لاهه تدوین و امضا شد که به طور مستقیم حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ را مورد اشاره قرار داده اند در سال ۱۹۰۷ کنوانسیون اصول و مقررات جنگ های زمینی و کنوانسیون بمباران توسط نیروهای دریایی در زمان جنگ صراحتاً خودداری از تهاجم علیه آثار و بناهای تاریخی فرهنگی را مورد حکم قرار داده است. تمامی اقدامات لازم می بایست به صورتی اتخاذ شود تا حد امکان از آثار باستانی با علم به این که نباید به عنوان هدف نظامی مورد استفاده قرار گیرند چشم پوشی کرد اصول مذکور با تغییراتی که ناشی از متحول شدن



اندیشه حفاظت از فرهنگ و میراث فرهنگی در زمان خود بود در کنوانسیون‌های مربوط به جنگ هوایی نیز تکرار شده است کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن به این کنوانسیون که مجموعاً به عنوان کنوانسیون ژنو نامیده می‌شدند اصول مندرج در کنوانسیون‌های لاهه را به صورت کامل‌تری پیش‌بینی کردند: ماده ۵۳ از پروتکل ۱ و ماده ۱۶ از پروتکل ۲ کنوانسیون‌های ژنو موارد ذیل را ممنوع اعلام داشته است:

الف: اعمال هر گونه عمل خصمانه علیه آثار تاریخی، فرهنگی و اماکن مذهبی که جزو میراث فرهنگی و معنوی مردم تلقی می‌شوند

ب: بهره‌برداری از آثار فرهنگی و هنری و اماکن مذهبی در جهت اهداف نظامی

ج: اقدامات تلافی‌جویانه و انتقامی علیه این قبیل آثار

بخش دوم: بررسی رویکرد های حقوق معاهدات و حقوق بین الملل بشردوستانه

کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، که بیشتر دولت ها به آنها پیوسته اند، محدودیتها و ممنوعیت هایی را برای اقدامات مسلحانه علیه افراد غیر نظامی و اموال غیر نظامیان که تحت اقتدار هر یک از طرفین قرار دارند، در نظر گرفته اند. ماده ۴۶ کنوانسیون اول ژنو، ماده (۲) ۴۷ کنوانسیون دوم، ماده ۱۳۷۳ کنوانسیون سوم و ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم، ممنوعیت های مربوط به اقدامات تلافی جویانه علیه افراد و اموال تحت حمایت این کنوانسیون ها در مخاصمات مسلحانه بین المللی را تعیین کرده اند. با وجود این، کنوانسیون های چهارگانه در خصوص اشیا و اموال فرهنگی و حمله یا اقدامات علیه این گونه اموال و اماکن متعلق به دشمن سخنی گفته اند. کاستی های کنوانسیون های مذکور در این زمینه را پروتکل اول الحاقی به این اسناد، در سال ۱۹۷۷، تا حدود زیادی مرتفع کرده است. پروتکل اول الحاقی، در چند ماده، به موارد منع اقدامات تلافی جویانه پرداخته است: مواد ۲۰، (و) ۵۱، (الف) ۵۲، (ج) ۵۳، (د) ۵۴، (ب) ۵۵ و (د) ۵۶، انجام اقدامات تلافی جویانه علیه اشخاص تحت حمایت، افراد



و اموال غیرنظامی، میراث فرهنگی و آثار هنری و تاریخی، اشیای ضروری برای بقای غیرنظامیان، محیط زیست و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک را ممنوع کرده است (سیاه رستمی، ۱۳۸۹: ۳۶۴-۳۶۲)

ماده ۵۳ در خصوص حمایت از اموال فرهنگی و اماکن مذهبی اشعار می دارد: با عنایت به قواعد و مقررات معاهده لاهه ۱۹۵۴ در ارتباط با حفاظت اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه و سایر اسناد بین المللی مرتبط، ارتکاب اقدامات زیر ممنوع می باشد:

۱. انجام حملات علیه ابنیه و آثار تاریخی، هنری یا اماکن مذهبی که میراث فرهنگی آن ملل محسوب می شوند.

۲. بکارگیری اشیا و اماکن مذکور جهت حمایت از عملیات نظامی

۳. انجام اقدامات تلافی جویانه علیه اموال مذکور ممنوع می باشد. پروتکل دوم الحاقی که مکمل ماده ۳ مشترک کنوانسیون های چهارگانه ژنو است و به مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی می پردازد، در خصوص اقدامات تلافی جویانه ساکت است. علت این مسئله آن است که دولت ها مطرح کردن اقدامات تلافی جویانه و مشخصا منع این اعمال را به نوعی به رسمیت شناختن شورشیان به عنوان طرف مخاصمه تلقی می کردند. شایان ذکر است که در ماده ۱۶ پروتکل دوم تصریح شده است که انجام هر گونه عملیات جنگی (که به طور غیر مستقیم تلافی جویی را نیز شامل میشود)، علیه میراث فرهنگی ملتها و استفاده از این اموال برای مقاصد نظامی ممنوع است.

گفتار اول: رویکرد حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی در قبال اقدامات تلافی جویانه و مسلحانه به طور عام

به منظور حل معضلات موجود و رفع کاستیهای قواعد معاهده ای در زمینه حقوق بین الملل بشردوستانه، کمیته بین المللی صلیب سرخ از سال ۱۹۹۵ طرح تحقیقاتی با عنوان حقوق بین الملل



بشردوستانه عرفی را بر مبنای رویه دولت‌ها، در دستور کار خود قرار داد. نتیجه نهایی این تحقیقات به تدوین ۱۶۱ قاعده عرفی در زمینه حقوق بین الملل بشردوستانه در سال ۲۰۰۵ منجر شد که در درگیری‌های مسلحانه اعم از بین المللی و غیر بین المللی قابل اعمال هستند. قواعد ۱۴۵، ۱۴۶ و ۱۴۸ مربوط به شروط کلی انجام اقدامات تلافی جویانه و ممنوعیت‌های عام این اقدامات نسبت به افراد و اموال غیرنظامی در خلال مخاصمات مسلحانه است. این شروط و ممنوعیت‌ها، از سوی رویه دولتها تأیید و در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی کشورها منعکس شده است و دستورالعمل‌های نظامی کشورهای استرالیا، سوئد، بریتانیا، ایالات متحده و رویه دول آرژانتین، کانادا، مکزیک، هلند، نروژ، لهستان و ونزوئلا.

گفتار دوم: تحلیل کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در زمینه اقدامات مسلحانه علیه اموال فرهنگی

در خصوص قلمرو اجرایی این کنوانسیون باید گفت که مقررات آن، مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی را در برمی گیرد و بین اقدامات مسلحانه از طریق خشکی، دریا و هوا تمایزی قائل نمی شود. به طور کلی تعهداتی که کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی بر عهده طرفهای متعاقد نهاده است، مطلق نیستند و با قید ضرورت نظامی تعدیل یافته اند. ضرورت نظامی، تنها دلیلی است که می تواند موجب نقض تعهد حمایت از میراث فرهنگی شود؛ در واقع هر یک از طرفین مخاصمه، حتی در صورت به کارگیری اموال فرهنگی به عنوان اهداف نظامی از سوی طرف مقابل، مجاز به نقض تعهدات خود مبنی بر حمایت از اموال فرهنگی نیستند و کماکان ملزم به رعایت تعهدات خود هستند (Dulti, ۲۰۰۲: ۱۵۲). کنوانسیون ۱۹۵۴، تخلف از تعهدات را صرفاً در مواردی که ضرورت حتمی نظامی ایجاب کند مجاز میداند؛ لیکن در خصوص اقدامات تلافی جویانه، رویکرد این کنوانسیون متفاوت است. حسب بند ۴ ماده ۴ این کنوانسیون دول عضو مکلف اند که از انجام هر گونه اقدام تلافی جویانه علیه اموال فرهنگی خودداری ورزند. این بند جنبه مطلق دارد، به طوری که نمی توان به بهانه ضرورت نظامی از آن عدول کرد. نکته ای که در این خصوص جای بحث و تأمل دارد



آن است که انجام اقدامات تلافی جویانه علیه اموالی که در مجاورت اموال فرهنگی قرار دارند، اموال مذکور را در معرض خطر قرار می‌دهد. در همین زمینه، بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون، با به کار بردن اصطلاح هر گونه عمل خصمانه، علاوه بر منع حملات هوایی، دریایی و زمینی به اموال فرهنگی، انجام هر نوع اقدام تلافی جویانه علیه این اموال را نیز ممنوع کرده است؛ مضافاً بر اینکه ممنوعیت مذکور، تخریب و آسیب رسانی با هر وسیله از جمله استفاده از مواد منفجره، بولدوزر و دیگر ابزار و تجهیزات را نیز شامل می‌شود. این بند همچنین قرار دادن تسلیحات و ادوات نظامی در محوطه پیرامون اموال نظامی را ممنوع می‌کند که با عنایت به آن، به کارگیری اموال فرهنگی و مناطق اطراف آنها در زمان صلح برای مقاصدی که به احتمال قوی در زمان بروز مخاصمه مسلحانه این اموال را در معرض خطر قرار می‌دهد، مجاز نیست (Okeef, ۲۰۰۶: ۱۲۵). در عین حال، استفاده نظامی از اموال فرهنگی و محوطه پیرامون آن توسط هر یک از طرف‌های متعاقد کنوانسیون، بنب نمی‌شود که طرف مقابل از الزام به عدم اتخاذ هر گونه عمل خصمانه، از جمله اقدامات فی جویانه، آزاد گردد (مسعودی، ۱۳۹۶: ۱۳۸). در مقدمه پروتکل ۱۹۹۹ الحاقی به کنوانسیون لاهه، بر لزوم توسعه حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، از طریق پیش‌بینی نظام حمایت عالی، پیش‌بینی اقداماتی برای اجرای مقررات حمایتی و انعکاس پیشرفت‌های حقوق بین‌الملل تأکید شده است (مسعودی، ۱۳۹۶: ۳۴)؛ بند ۲ ماده ۶ این پروتکل، ضمن تأیید به کارگیری اموال فرهنگی در صورت بروز ضرورت مطلق نظامی، مقرر می‌کند که تشخیص این امر صرفاً بر عهده بالاترین مقام فرماندهی نظامی است و چنانچه امکان صدور دستور از جانب وی میسر نباشد، مقام زیردست وی مجاز به صدور دستورهای مقتضی در این زمینه است (Dulti, ۲۰۰۲: ۴۱).

گفتار سوم: کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ

کنوانسیون راجع به حفاظت از میراث فرهنگی در برابر صدمات ناشی از جنگ به‌عنوان جامع‌ترین و معتبرترین سند بین‌المللی در نوع خود در ۱۴ می ۱۹۵۴ در کنفرانسی که از طرف یونسکو به دعوت دولت هلند در لاهه تشکیل شده بود براساس پیش‌نویسی که از سوی یونسکو و بر اساس تجارب و



عملکرد کنوانسیون‌ها و معاهدات سابق تنظیم شده بود تدوین و تصویب گردد. وضعیت نابسامان حین مخاصمات مسلحانه سبب بی توجهی زیاد به اموال فرهنگی می گردد و بسیاری از این اموال در زمان مخاصمات نابود می شوند. در پی اشغال سرزمین‌ها نیز چون وضع امنیتی دچار بحران می شود یکی از آسیب پذیرترین اماکن، اماکن تاریخی و فرهنگی خواهد بود؛ زیرا دیگر نه حفاظتی از سوی دولت قبلی به عمل می آید و نه قدرت اشغالگر هنوز توان کنترل کامل امور و نظارت بر این اماکن را دارد. در خلال اشغال عراق به دست ائتلاف، به اموال فرهنگی آسیب فراوان رسید و یکی از مهم ترین این اموال که موزه ملی بغداد است مورد غارت مردم قرار گرفت. بسیاری از این اموال فرهنگی در پی وجود هرج و مرج در عراق از طریق قاچاق از کشور خارج شده و بعدها در موزه های مشهور اروپا و آمریکا یافت شدند. (Dinstein, ۲۰۰۹: ۱۹۹) بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه مقرر کرده است که قدرت اشغالگر باید تا آنجا که امکان دارد از مقامات محلی ذیصلاح سرزمین اشغالی در خصوص مراقبت و حفاظت از اموال فرهنگی، حمایت نماید. بند ۲ ماده ۵ همین کنوانسیون به بحث حفاظت از اموال فرهنگی در مقابل عملیات نظامی توجه خاصی می کند بدین صورت که اگر مقامات محلی ذیصلاح در سرزمین اشغالی قادر به کنترل این وضعیت نباشند، قدرت اشغالگر باید تا آنجا که ممکن است اقدامات لازم را برای جلوگیری از وخیم تر شدن زیان وارده به اموال فرهنگی به عمل آورد اما این کار باید با مشارکت مقامات ذیصلاح محلی باشد. ماده ۹ پروتکل دوم ۱۹۵۶ نیز اجازه انجام کاوش های باستان شناسی در سرزمین های اشغالی را فقط زمانی به اشغالگر می دهد که این کاوش ها برای حفاظت از اموال فرهنگی ضروری بوده و این کار با همکاری کامل مقامات محلی ذیصلاح سرزمین اشغالی انجام شود. (Dinstein, ۲۰۰۹: ۲۰۱) جمله اول بند ۳ ماده ۴ کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه ۱۹۵۶ مقرر می دارد: (دول معظم متعاقد باید از هر شکل از دزدی، غارت، تصاحب ناعادلانه و یا انجام هر اقدامی که مستلزم تعدی نسبت به اموال فرهنگی باشد خودداری و ممانعت کنند و یا آن را متوقف نمایند). کوتاهی در رعایت استانداردهای ذکر شده در این ماده هزینه های جبران ناپذیری به بار می آورد. مثل آنچه در قالب چپاول موزه ملی عراق پیرو ورود



نیروهای آمریکایی به بغداد در آوریل ۲۰۰۳ اتفاق افتاد. (Dinstein, ۲۰۰۹: ۱۹۹) البته شایان ذکر است که غارت انجام شده بوسیله خود نیروهای آمریکایی انجام نگرفت بلکه بوسیله مردم محلی انجام شد. با این وجود، این انتقاد بر نیروهای آمریکایی وارد است که آنها به عنوان قدرت اشغالگر اقدامات پیشگیرانه مناسب برای تأمین امنیت موزه در مقابل چنین آسیب‌هایی را انجام نداده بودند. بر اساس ماده ۱۹ قواعد اجرایی کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه که به پیوست کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه آمده است، نقل و انتقال اموال فرهنگی از سرزمین اشغالی به خارج از این سرزمین با هدف تأمین امنیت این اموال تنها در صورتی مجاز است که دستور این انتقال به طور کتبی و مستقیماً توسط کمیسر کل اموال فرهنگی پس از مشورت با کارشناسان صادر شده باشد و در این دستور بر ضرورت نقل و انتقال تأکید شده باشد. (Sassoli, ۲۰۱۰: ۲۷) اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه نیز قدرت اشغالگر را از انجام برخی اعمال در سرزمین اشغالی منع می‌کند و برای این منع از کلمه تأکید (Shall) استفاده می‌نماید که نشانگر الزام قوی اشغالگر به عدم انجام برخی اعمال است. اعمالی که اشغالگر هرگز حق انجام آنها را در سرزمین اشغالی ندارد عبارتند از:

۱- خارج کردن اموال فرهنگی از سرزمین اشغالی یا انتقال مالکیت این اموال

۲- انجام هرگونه کاوش‌های باستان‌شناسی مگر در مواردی که انجام چنین کاوش‌هایی برای حفظ وضعیت آثار باستانی ضروری باشد

۳- انجام هرگونه تغییر وضعیت یا تغییر کاربری اموال فرهنگی که قصد آن تخریب یا آسیب رسانیدن به اموال فرهنگی باشد. در انتهای این ماده انجام کاوش‌های باستان‌شناسی ضروری یا تغییر در کاربری اموال فرهنگی در سرزمین اشغالی زمانی مجاز محسوب می‌گردد که با مشارکت مقامات صلاحیت دار سرزمین اشغالی باشد. آنچه از مفاد کنوانسیون ۱۹۵۶ و پروتکل‌های آن استنباط می‌گردد این است که خارج کردن اموال تاریخی و فرهنگی از سرزمین اشغالی توسط قدرت اشغالگر با منع شدید مواجه است اما تغییر کاربری اموال فرهنگی و یا انجام کاوش‌های باستان‌شناسی در سرزمین اشغالی توسط



قدرت اشغالگر با منع ضعیف تری روبروست. هرچند که بحث ضرورت نظامی پیش‌بینی شده در کنوانسیون ۱۹۵۶ و امکان نقض مفاد کنوانسیون مزبور در صورت تحقق ضرورت نظامی، در پروتکل دوم ۱۹۹۹ این کنوانسیون به شدت محدود شده است و این نشانگر ارتقاء نگرش جهانی به میراث فرهنگی و تاریخی از سال ۱۹۵۶ تا سال ۱۹۹۹ است. غیر از کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه و پروتکل‌های آنکه کلاً به بحث حمایت از اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه می‌پردازند و البته در زمان اشغال نظامی هم لازم‌الاجرا هستند، پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۶۹ نیز یکی از پیشرفته‌ترین کنوانسیون‌ها در موضوع حقوق بشر دوستانه بین‌المللی است و حمایت زیادی از غیرنظامیان و اموال غیر نظامی به عمل می‌آورد. با توجه به اینکه این پروتکل در ماده ۳ خود به لازم‌الاجرا بودن مفاد آن در زمان اشغال نظامی تصریح می‌کند لذا در بحث حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی هم در زمان اشغال نظامی قابلیت استناد دارد. ماده ۵۳ این پروتکل با اطلاق کلی، انجام اعمال خصمانه علیه بناهای یادبود تاریخی، آثار هنری یا مکان‌های عبادت که تشکیل‌دهنده میراث فرهنگی و معنوی ملت‌ها هستند را ممنوع می‌داند. نکته شایان توجه در این ماده عدم اشاره به عذر ضرورت نظامی برای حمله به این مکان‌هاست که در نوع خود تحولی شگرف در توسعه حمایت از میراث تاریخی و فرهنگی است؛ اما ایراد این ماده در شمول آن صرفاً به انجام اقدامات خصمانه علیه چنین بناهایی است و غارت، تاراج و قصور در حفاظت از این اموال را شامل نمی‌گردد.

گفتار چهارم: ضمانت اجرای کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو

همان گونه که در مقدمه اشاره شد، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه علاوه بر ضعف روشهای اجراء فاقد ضمانت اجرا و مکانیسمهای نظارتی بر ایفای تعهدات به وسیله کشورهای عضو است و در حالی که طبق ماده ۲۸، کشورها موظف به اتخاذ تدابیر لازم در جهت پیگرد و تنبیه افراد متخلف از مقررات کنوانسیون شده‌اند، هیچ مرجعی برای مجازات خود کشورها و دولتهای متخلف وجود ندارد و نیز در قرارداد مکانیسمهایی برای نظارت بر انجام تعهدات متصور نیست صرف تعهد کشورها در احترام به مقررات مشمول قرارداد کفایت میکند. شاید علت اصلی این فقدان ضمانت اجرا موثر، خوش‌بینی تدوین



کنندگان نسبت به اجرای تعهدات از سوی اعضاء بوده است که همین پدیده به روح کنوانسیون بدل گشته و تمام بدنه آن را متأثر از خود ساخته است. کنوانسیون تاحدی دست کشورهای درگیر در جنگ را آزاد می گذارد که حتی اختیار سلب مصونیت اموال و پناهگاهها را که یکی از قسمتهای اصلی قرار داد است به یکی از مقامات بلند پایه ارتش سپرده و کل زحماتی را که ممکن است کشوری برای اجرای قرارداد متحمل شده باشد، نادیده گرفته و قرارداد با اجازه خود آن نقض می شود. ماده ۱۴ آئین نامه اجرایی نیز گواه بارزی برای این خوشبینی است. امروز همگی شاهدیم که در عرصه روابط بین الملل اصل، حاکمیت سیاسی و منافع ملی کشورهاست و جایی که این منافع ایجاب نماید، نقض تعهدات، قراردادهای و حتی عرف بین المللی که نفوذ و تأثیر بیشتری نسبت به قراردادهای دارد، امری بعید و دور از ذهن نیست. امروزه حتی کارشناسان و مسئولان حقوق بین الملل نیز به اهمیت ضمانت اجراء به عنوان بازوی قدرتمند ایجاد عدالت و نظم در عرصه جهانی واقف و معترفند لذا شایسته است کنوانسیون ۱۹۵۴ نیز با این اصل واقعه گرایانه منطبق شود. جهت تشریح بیشتر به ذکر مواردی چند می پردازیم. طبق بند ۱ ماده ۴ کشورهای عضو متعهد می شوند که نسبت به اموال فرهنگی خود و سایر اعضاء احترام بگذارند. در اینجا هیچ ذکری از ضمانت اجراء و مرجع رسیدگی به تخلف به میان نیامده است، نظیر این تعهد را در بند ۵ ماده ۸ و بند ۲ ماده ۱۲ مشاهده میکنیم. همچنین در غالب موارد مرجع تشخیص و تأیید ادعاهای کشورها مبنی بر رعایت مفاد کنوانسیون وجود ندارد. و به عنوان مثال بند ۲ ماده ۸ در خصوص ادعای کشورها در خصوص استحکام ساختمان پناهگاه را می توان نام برد. ب: طبق بند ۱ ماده ۱۱ در صورت نقض تعهدات توسط یکی از اعضاء طرف دیگر نیز از رعایت تعهدات در خصوص مصونیت اموال فرهنگی آزاد خواهد بود. این بند بیش از سایر بندها و مواد با ماهیت مشابه، کنوانسیون را زیر سؤال برده است. کنوانسیون به جای آنکه مجازاتهایی برای کشور ناقض در نظر گیرد، دست سایر کشورها را نیز برای نقض کنوانسیون باز می گذارد و در واقع به جای مجازات متخلف، کار وی تأیید میشود. با این همه تا کنون، کنوانسیون ۱۹۵۴ مهم ترین و جامعترین سند بین المللی لازم الاجرا در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ است که علی رغم معایب



شکلی و ماهوی، تنها ابزار بین المللی موجود در نوع خود می‌باشد. سازمان یونسکو، ضرورتاً باید در برابر تهاجم جنگ علیه فرهنگ و میراث فرهنگی اقدام کنند. در فقدان اقدامات اساسی به منظور حذف یا کاهش دامنه تخریب جنگ، اجرای مفاد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، با همه نواقص آن، به لحاظ انسانی، فرهنگی امری بسیار ضروری بوده و در مسیر اصلاح و تکمیل آن تلاش ویاری دولتها، اندیشمندان و سازمانهای فرهنگی بین المللی خصوصاً یونسکو امری حتمی به نظر می‌رسد.

بخش سوم: شرایط اعمال کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه

علاوه بر معاهدات بین المللی که به حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در زمان اشغال نظامی و مخاصمات مسلحانه پرداخته اند مجمع عمومی سازمان ملل متحد شورای امنیت و یونسکو نیز در اسناد جداگانه ای بر ضرورت حمایت از میراث فرهنگی در زمان اشغال نظامی تأکید کرده اند. در سال ۱۹۹۹ دولت یونان پیش نویسی از یک قطعنامه را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه کرد که ۴۱ کشور سریعاً به حمایت از آن برخاستند. این قطعنامه به صورت اجماع (کنسانسوس) به تصویب رسید. در پاراگراف ۳ مقدمه این قطعنامه، مجمع عمومی بر مفاد کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه تأکید کرده، نگرانی عمیق خود را در مورد زیان های وارده به آثار باستانی حین مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی اعلام می نماید. در این قطعنامه، مجمع عمومی با تأکید زیادی از دولت ها می خواهد که به کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه و پروتکل دوم آن ملحق شوند. این مجمع در سال ۲۰۰۱ با تصویب قطعنامه ای دیگر ضمن تأکید بر ضرورت پیوستن دولت ها به کنوانسیون ۱۹۵۶ و پروتکل دوم آن، بر ضرورت حمایت از میراث فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی تأکید کرد و این حمایت را هم شامل مخاصمات بین المللی و هم غیر بین المللی دانست. شورای امنیت نیز در کارنامه خود مواردی از حمایت از میراث فرهنگی حین اشغال نظامی را دارد. این قطعنامه ها شامل دو قطعنامه ۱۶۸۳ و ۱۵۶۹ است. در مقدمه قطعنامه ۱۹۸۳ که متعاقب اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و با حمایت شدید اسپانیا، انگلستان و ایالات متحده آمریکا تصویب شد، شورا بر ضرورت توجه به میراث فرهنگی عراق و تداوم



حمایت از میراث تاریخی و فرهنگی این کشور و همچنین اماکن مذهبی و موزه ها و کتابخانه ها تأکید نمود. شورای امنیت که این قطعنامه را براساس اساس فصل هفتم منشور ملل متحد صادر نمود با تأکید شدیدی از دول عضو می خواهد که زمینه بازگشت اموال تاریخی و فرهنگی خارج شده از موزه ملی عراق و کتابخانه ملی و سایر اماکن را مهیا سازند. در این قطعنامه از یونسکو نیز تقاضای همکاری شده است. نکته حائز اهمیت در قطعنامه مذکور آن است که شورای امنیت از طریق صدور یک قطعنامه بر اساس فصل هفتم منشور که در موارد نقض صلح، تهدید علیه صلح و عمل تجاوز صادر می شود به مسئله حمایت از میراث تاریخی و فرهنگی در زمان اشغال نظامی می پردازد و چنانکه می دانیم دولت ها بر اساس ماده ۲۰ منشور ملزم به اجرای قطعنامه های صادره توسط شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور می باشند. شورای امنیت در ۸ ژوئن ۲۰۰۹ با صدور قطعنامه ۱۵۶۹ بر ضرورت توجه و حمایت تمام دولت ها نسبت به میراث فرهنگی، تاریخی و باستانی عراق تأکید مجدد نمود. موضع گیری شورای امنیت در این قطعنامه حاکی از افزایش آگاهی این نهاد نسبت به لزوم حمایت از میراث تاریخی و فرهنگی حین اشغال نظامی است. یونسکو مؤثرترین سازمان بین المللی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی است. تلاش های این سازمان در حمایت از انعقاد معاهدات مربوط به اموال فرهنگی قابل توجه است. چنانکه پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه که در سال ۱۹۹۹ تصویب شد در اثر حمایت ها و تلاش های یونسکو به نتیجه مطلوب رسید. ۱۹:۲۰۰۷ (Von Schorlemer) در خصوص وضعیت اشغال عراق یونسکو تلاش های زیادی برای حمایت از میراث فرهنگی و تاریخی این کشور به عمل آورد و بارها از دولت های جهان درخواست کرد با تصویب کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه و پروتکل های آن در کشور خود، در بازگرداندن میراث تاریخی عراق به این کشور با یونسکو همکاری کنند. یونسکو در خصوص میراث تاریخی و فرهنگی عراق به حدی حساس بود که از تاریخ ۱۶ تا ۲۰ می ۲۰۰۳ یعنی فقط چند روز بعد از حمله نیروهای ائتلاف به عراق و حتی قبل از صدور قطعنامه ۱۶۸۳ در مورد شناسایی وضعیت اشغال در این کشور، نخستین مأموریت خود را در بغداد راه اندازی کرد. (Russell, ۲۰۰۳: ۴) در سپتامبر ۲۰۰۳ یونسکو با ایجاد یک کمیته همکاری بین المللی با



مشارکت وزارت فرهنگ عراق اقدام به جلب همکاری بین المللی برای تأمین امنیت میراث تاریخی و فرهنگی عراق نمود. این کمیته که مرکب از بیست و پنج کارشناس بین المللی بود جلسه های متعددی را در پاریس و توکیو تشکیل داد. در اجلاس توکیو که در اول اوت ۲۰۰۳ تشکیل شد ارزیابی کاملی از دستاوردهای یونسکو در خصوص مسائل مربوط به اموال سرقت شده از موزه ملی بغداد به عمل آمد. همچنین یونسکو اجلاسی را در ۲۶ و ۲۷ می ۲۰۰۶ در پاریس با حضور وزیر فرهنگ عراق تشکیل داد و اقدامات خود و وزارت فرهنگ عراق را در خصوص میراث فرهنگی این کشور ارزیابی نمود.

بخش چهارم: ارزیابی مسوولیت ایالات متحده آمریکا در خصوص آسیب های وارده بر میراث تاریخی و فرهنگی عراق در زمان اشغال نظامی این کشور و مساله اشغال نظامی اوکراین توسط روسیه

غارث و تاراج موزه ملی عراق به وسیله مردم، متعاقب حمله آمریکا و متحدانش به این کشور، بحث مسوولیت ایالات متحده در این خصوص را مطرح کرده است. با توجه به اینکه طبق قطعنامه ۱۶۸۳ (۲۰۰۳) شورای امنیت، از میان اشغالگران عراق موقعیت اشغالگری تنها به دو دولت آمریکا و بریتانیا داده شد، چون مناطق مورد آسیب از حیث میراث تاریخی و فرهنگی مدنظر این مقاله یعنی بغداد و بابل تحت اشغال دولت آمریکا بودند و نیروهای بریتانیا در جنوب عراق استقرار داشتند، لذا در اینجا تنها مسوولیت دولت آمریکا قابل بحث است. غارث موزه ملی عراق انعکاس وسیعی در سطح جهان داشت و کمتر خبرگزاری را می توان یافت که بدان نپرداخته باشد. بحثی که در اینجا وجود دارد این است که آیا آمریکا با عدم حفاظت از موزه ملی عراق تعهدات خود به موجب حقوق بین الملل را نقض کرده است یا خیر؟ این مسئله در حالی است که آمریکا به محض ورود به عراق و قبل از تحقق رسمی رژیم اشغال نظامی، اقدام به حفاظت از پالایشگاه های نفت برای جلوگیری از غارت و چپاول آنها نمود اما این کار را در خصوص موزه ملی عراق انجام نداد. در اینجا باید به این نکته توجه داشته باشیم که غارت موزه ملی عراق در روز ۱۲ آوریل ۲۰۰۳ یعنی ۲ روز پس از فتح بغداد انجام



شد. مشخص است که در اینجا هنوز با رژیم رسمی اشغال مواجه نیستیم زیرا شورای امنیت در ۲۲ می ۲۰۰۳ (۹۰ روز بعد) بود که آغاز اشغال عراق را اعلام کرد. هرچند اعلام یا عدم اعلام برقراری رژیم اشغال نظامی و یا تعیین زمان خاصی برای آن توسط شورای امنیت تأثیری در تعهدات قدرت اشغالگر در خصوص رعایت حقوق اشغال نظامی ندارد، به نظر می رسد عنصر مهم تحقق رژیم اشغال نظامی یعنی کنترل مؤثر، در مدت زمان صرف دو روز پس از فتح بغداد توسط نیروهای آمریکایی، نمی توانسته قابل تحقق باشد. اگرچه برخی نویسندگان، برقراری رژیم اشغال نظامی در بغداد از لحظه آغاز ورود نیروهای آمریکایی به این شهر را مسلم دانسته اند. پس باید بحث خود را بر روی وضعیت حقوقی زمان جنگ معطوف نماییم. ولی در خصوص شهر تاریخی بابل که توسط نیروهای اشغالگر آمریکایی و با پشتیبانی نیروهای لهستانی اشغال شد وضعیت با مورد موزه ملی عراق متفاوت است زیرا اقدامات نیروهای مذکور در شهر تاریخی بابل در زمانی اتفاق افتاد که رژیم اشغال در عراق توسط شورای امنیت شناسایی شده بود. این شهر در ۲۱ آوریل ۲۰۰۳ به اشغال درآمد و از تاریخ ۲ سپتامبر همان سال توسط نیروهای آمریکایی تبدیل به یک پایگاه نظامی به نام کمپ آلفا گردید. در دسامبر ۲۰۰۶ بود که این شهر تاریخی به شورای دولتی میراث تاریخی و فرهنگی عراق تحویل داده شد. این شهر که محل یکی از عجایب هفتگانه جهان یعنی باغهای معلق بابل است قدمتی بسیار زیاد دارد به طوری که از سال ۱۷۵۰ تا ۱۷۹۲ قبل از میلاد مسیح، حمورابی مبدع نخستین مجموعه قوانین دنیا در آن حکومت می کرده است. (Singer, ۲۰۱۰: ۲۱). بر حسب گزارش یونسکو خسارات زیادی به شهر تاریخی بابل هم قبل از اشغال آنجا یعنی در زمان مخاصمه فعال در سال ۲۰۰۳ و هم پس اشغال این شهر وارد آمده است. حفاری های صورت گرفته توسط اشغالگران برای ایجاد استحکامات نظامی، بسیاری از سفالینه های مدفون در عمق زمین را نابود ساخت و عبور تانکها و نفربرها از این شهر تاریخی، سنگفرش های با قدمت دو هزار و ششصد سال را نابود کرد. هرچند کلنل جان کلمن (Colonel John Coleman) فرمانده پیشین تفنگداران دریایی آمریکا در عراق که بابل را به اشغال خود در آورده بودند از مقامات عراقی عذرخواهی کرد و مدعی گردید که قبل از ورود نیروهای آمریکایی به این



شهر موزه آن غارت شده بود و برخی خسارتها قبلا به اماکن تاریخی وارد آمده بود. (Singer, ۲۰۱۰: ۲۳) در خصوص تعهدات ایالات متحده در حفاظت از اموال فرهنگی چند سند حقوقی بین المللی وجود دارد. سند نخست کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ است که در ماده ۵۶ خود طرفین مخاصمه را مکلف می کند که از تخریب یا توقیف میراث فرهنگی و تاریخی و آثار هنری و علمی در حین مخاصمه مسلحانه خودداری کنند. چنانکه می دانیم مقررات لاهه ۱۹۰۷ جنبه عرفی دارند و جزء قواعد عرفی بین المللی محسوب می گردند. می گردند؛ اما مشکل در اینجاست که کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ غارت و چپاول اموال فرهنگی را محکوم نمی کند بلکه تخریب آنها توسط اطراف مخاصمه یعنی نیروهای مسلح را ممنوع می داند که در بحث موزه ملی عراق موضوع تخریب مطرح نبوده است و این بحث تنها در مورد شهر تاریخی بابل مصداق دارد. از این رو باید به کنوانسیون مراجع کنیم که اختصاص به بحث حمایت از اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه می پردازد و آن کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه است. علی رغم اینکه بیشتر بحث این کنوانسیون جلوگیری از حمله متخاصمین به میراث فرهنگی یکدیگر در واقع به وسیله نیروهای مسلح آنهاست، در بند ۳ ماده ۴ دول متخاصم را مکلف می کند که مانع سرقت و تاراج اموال فرهنگی در زمان مخاصمه شوند و از آنها می خواهد که با اعمال پیشگیرانه خود، مانع چنین اعمالی شوند؛ یعنی دقیقا تعهدی که آمریکا آن را نقض کرده است. ماده ۹ پروتکل دوم این کنوانسیون که در سال ۱۹۹۹ ضمیمه آن شده است نیز از اشغالگر می خواهد که با توجه به مواد ۴ و ۵ کنوانسیون ۱۹۵۴، خروج، تخریب یا انتقال اموال فرهنگی را از سرزمین اشغالی ممنوع کند. نکته مهم در این بحث که تعهد ایالات متحده به حفاظت از موزه ملی عراق و شهر تاریخی بابل است عدم تصویب کنوانسیون ۱۹۵۶ و پروتکل های آن به وسیله ایالات متحده آمریکا در زمان وقوع این حادثه است. البته این کشور این کنوانسیون را در سال ۲۰۰۹ تصویب نموده ولی از تصویب پروتکل های آن تاکنون نیز خودداری کرده است. پروتکل اول کنوانسیونهای ژنو ۱۹۷۷ نیز متذکر لزوم توجه متخاصمین و البته اشغالگر به میراث فرهنگی شده و ماده ۵۳ را به این بحث اختصاص داده



است و حمله مستقیم و یا استفاده نظامی از میراث فرهنگی را ممنوع اعلام کرده است؛ اما چنانکه می دانیم ایالات متحده هیچ یک از پروتکل های اول و دوم ۱۹۷۷ کنوانسیون های ژنو را هم تصویب نکرده است. از این رو لازم است برای جستجوی تعهد آمریکا به حفاظت از موزه ملی عراق و مسؤولیت این اور در تخریب شهر تاریخی بابل از طریق رویه قضایی بین المللی و دکتین، حقوق رقی بین المللی را احراز نماییم. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در ماده ۳ خود «توقیف و تخریب عامدانه مؤسسات مذهبی، خیریه و آموزشی و میراث تاریخی، علمی و هنری» را جزء جرائم قابل محاکمه در این دیوان می داند. " این دیوان افرادی را به اتهام جرائم علیه اموال فرهنگی مورد محاکمه قرار داد که معروف ترین آنها میلوسویچ بود. دیوان کیفری بین المللی نیز در بند ۲ ماده ۸ اساسنامه خود حمله مستقیم قاصدانه به میراث فرهنگی را جنایت جنگی می داند. هیئت تجدیدنظر دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در رأی معروف تادیچ (Tadic)، ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه در حمایت از اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه را جزء قواعد عرفی بین المللی شناسایی می کند. این ماده مقرر می دارد که در صورت وقوع یک مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی در خاک یکی از دول عضو هر طرف مخاصمه حداقل باید قواعد کنوانسیون حاضر در خصوص احترام به اموال فرهنگی را رعایت نماید. از این رو بر اساس نظر هیئت تجدیدنظر دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ می توان نتیجه گرفت که ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه در خصوص ممانعت از سرقت و تاراج اموال فرهنگی جزء حداقل هاست و یک قاعده عرفی بین المللی محسوب می شود. این دیوان در پرونده دیگری به رأی صادره توسط هیئت تجدیدنظر در پرونده تادیچ استناد کرد و ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه را یک قاعده عرفی بین المللی دانست. حقوقدانان بسیاری هم کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه در مورد حمایت از اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه را تا حدود زیادی جزء قواعد عرفی بین المللی دانسته اند. این دسته از حقوقدانان معتقدند که آن دسته از قواعد کنوانسیون ۱۹۵۶ لاهه که مربوط به اصل حمایت از اموال فرهنگی هستند عرفی شده اند (مثل مواد ۱۴ و ۱۵) هر چند که ممکن است سایر مفاد هنوز از قدرت الزام آوری حقوق بین الملل عرفی بهره مند نشده باشند. برای مثال



جاشوا کاستنبرگ (Joshua kastenberg) نتیجه می‌گیرد که کنوانسیون ۱۹۵۶ یک حقوق الزام آور عرفی البته در بسیاری از مفاد آن است. (Sandholts, ۲۰۰۵: ۲۲۸)

ویکتوریا بیروف (Victoria Birov) نیز استدلال می‌کند که از قواعد کنوانسیون ۱۹۵۶ لایه جزء استانداردهای عرفی حقوق بین الملل هستند. آدام رابرتز نیز قواعد اصلی حمایت از اموال فرهنگی حین مخاصمات مسلحانه را جزء قواعد عرفی بین المللی می‌داند. (Roberts, ۱۹۸۹: ۳۳۹) مجموعه قواعد بشردوستانه بین المللی عرفی نیز که توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۵ تهیه شده است در قاعده ۴۰ خود می‌گوید: هرگونه سرقت، غارت یا سوء استفاده و هرگونه خرابکاری نسبت به اموالی که از نظر میراث فرهنگی هر ملت حائز اهمیت فراوان باشد، ممنوع است. (هنکرتز، ۲۳۳: ۱۳۷۸) از این رو تعهد ایالات متحده نسبت به حفاظت از موزه ملی عراق کاملاً مسلم است. مضافاً اینکه این کشور علی‌رغم عدم تصویب کنوانسیون ۱۹۵۶ در زمان وقوع این حادثه هرگز مخالفتی با مفاد آن (که مانع شکل‌گیری قاعده عرفی علیه یک کشور شود) هم نکرده بود. به طوری که در تحقیقی که در مجله Lawye در سال ۲۰۰۶ منتشر شده آمده است علی‌رغم اینکه آمریکا هنوز معاهده ۱۹۵۶ لایه را تصویب نکرده است نیروهای آمریکایی به مفاد این کنوانسیون در مخاصمات مسلحانه بر اساس قواعد حقوق بین الملل عرفی متعهدند. (Sandholts, ۲۰۰۵: ۲۳۵) از این رو اقدام ایالات متحده در عدم حفاظت از موزه ملی عراق پس از فتح شهر بغداد نقض تعهدات عرفی بین المللی است و موجب مسئولیت بین المللی این کشور است. در خصوص تخریب شهر تاریخی بابل نیز چون این تخریب در زمان برقراری رژیم اشغال نظامی در عراق و توسط خود نیروهای آمریکایی اتفاق افتاده است، مسئولیت حقوقی ایالات متحده آمریکا حسب ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۶ لایه و همچنین قواعد حقوق بین الملل عرفی مسلم است و این کشور صراحتاً قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی را در این خصوص نقض کرده است. کمیته حفاظت از اموال فرهنگی در صورت درگیری‌های مسلحانه جلسه‌ای اضطراری ویژه اوکراین برگزار کرد. در ۱۸ مارس ۲۰۲۲ کمیته حفاظت از اموال فرهنگی در صورت درگیری‌های مسلحانه جلسه فوق‌العاده‌ای برای بحث در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در جریان



درگیری‌های مسلحانه در اوکراین برگزار کرد کمیته بر اهمیت افزایش کمک‌های بین‌المللی به اوکراین تأکید کرد و تصمیم گرفت کمک‌های مالی اولیه پنجاه هزار دلار را برای حمایت از اقدامات اضطراری از جمله حفاظت در محل و تخلیه اموال فرهنگی اعطا کند کمیته هم چنین از اوکراین دعوت کرد تا درخواست ثبت اموال میراث فرهنگی در فهرست بین‌المللی اموال فرهنگی تحت حفاظت تقویت شده را داشته باشد این فهرست ویژه توسط پروتکل دوم در سال ۱۹۹۹ برای ارائه سطح بالاتر از حفاظت از اموال فرهنگی در هنگام درگیری‌های مسلحانه ایجاد شد اعضای کمیته اعلامیه‌ای را تصویب کردند که در آن خواستار احترام کامل به حقوق بین‌الملل از جمله تعهدات ناشی از کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در صورت درگیری مسلحانه و دو پروتکل (۱۹۵۴ و ۱۹۹۹) آن شد.

نتیجه گیری

با مطالعه قواعد و مقررات کنوانسیون ژنو و مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه و یکی از مواد مهم کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ یعنی ماده ۴ که همگی به خودداری مطلق ورود خسارات و صدمه به اموال فرهنگی تأیید دارند همچنان شاهد ورود خسارت و ایراد صدمه در جریان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به اموال و آثار فرهنگی ملل مختلف هستیم. بعنوان راه حل باید انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در جریان مخاصمات مسلحانه برای عدم ورود خسارت و آسیب به اموال فرهنگی را پیش‌بینی کرد. متأسفانه باز هم شاهد سرپیچی و عدم اجرای کنوانسیون‌های مهم در این رابطه هستیم با اینکه این کنوانسیون‌ها و معاهدات همگی از نرم‌ها و اصول کلی حقوق عرفی لازم الاجرا تشکیل شده‌اند که منفعت کل جامعه بین‌المللی را به دنبال دارند. و اینکه وجود این کنوانسیون‌ها نشانه مهم تعهدات بین‌المللی کشورهاست که مسئولیت بین‌المللی اولیه (در برابر انجام تعهد) و ثانویه (ناشی از نقض تعهد) آنها محرز گردیده است. مسئولیت بین‌المللی دولتها در زمینه پاسداری از میراث فرهنگی عام و مطلق است. هر دولت جدا از اینکه مسئول نگهداشت و پاسداری از میراث فرهنگی چه در حوزه صلاحیت داخلی و چه مناطق بیرون از صلاحیت ملی خود است،



مسئولیت همکاری با دیگر دولتها در مبارزه با انواع پدیده‌های ناقض اصل پاسداری از میراث فرهنگی را دارد. ضمانت اجرای جرایم علیه اموال فرهنگی نیازمند ماهیت کیفری است و جامعه بین‌المللی اشکال خسارت به اموال فرهنگی را از مصادیق جرائم مهم بین‌المللی دانسته و تحت حقوق بین‌الملل کیفری بررسی می‌کند. ضروری است از سوی ارکان ذی‌ربط و صلاحیت‌دار در عرصه بین‌المللی بر حسن اجرای کنوانسیون‌ها و پروتکل الحاقی در زمینه حمایت از اموال فرهنگی و ممنوعیت ورود خسارت و ایراد در زمان مخاصمات مسلحانه نظارت کافی صورت پذیرد.



منابع و مآخذ

الف) کتب

۱. ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۴) جنگ و صلح: بررسی مسائل نظامی و استراتژیک انتشارات سمت.
۲. راجرز، آنتونی پ، مالرب، پل (۱۳۸۲) قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳. ضیایی بیگدلی، دکتر محمدرضا (۱۳۹۲) حقوق بین الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات گنج دانش. ضیایی بیگدلی، دکتر محمدرضا (۱۳۸۰) حقوق جنگ (حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
۴. ممتاز، دکتر جمشید و رنجبریان، دکتر امیر حسین (۱۳۸۷)، حقوق بین الملل بشر دوستانه؛ مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران: نشر میزان
۵. نژندی منش، هیبت الله و الیاسی، زهرا، (۱۳۸۹) حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، تهران: انتشارات خرسندی
۶. فرانکیونی، فرانچسکو (۱۳۸۸)، (در فراسوی حقوق معاهدات: پدیداری حقوق عرفی جدیدی در حمایت از میراث فرهنگی)، ترجمهی علیرضا ابراهیم گل و فرزانه آقاشاهی، مجله‌ی حقوقی بین المللی، سال بیست و ششم، شماره‌ی ۴۰، ۱۴۸
۷. نوربهاء، دکتر رضا (۱۳۷۱ و ۱۳۷۲) (بررسی قرارداد حمایت از اموال فرهنگی به هنگام نزاع مسلحانه و اعمال آن در جنگ عراق علیه ایران)، مجله‌ی حقوقی، شماره‌ی ۱۶ و ۱۷، ۲۷۶-۱۸۷
۸. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۴). مسئولیت بین المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل، چ هفتم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.



۹. اکیف، راجر (۱۳۹۵). حمایت از میراث فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید حسام الدین لسانی، چ اول، قم: نشر دانشگاه حضرت معصومه (س).

۱۰. سیاه رستمی، هاجر؛ کتایون حسین نژاد؛ افچنگی، محسن (۱۳۹۰). حقوق بین الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، چ اول، تهران: مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران.

۱۱. کولب، رابرت؛ هاید، ریچارد (۱۳۹۴). درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید حسام الدین لسانی، چ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد. ۵. مسعودی کوشک، حمید (۱۳۹۶). حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در مخاصمات مسلحانه، چ اول، تهران: گنج دانش

۱۲. هنکرتز، ژان ماری؛ دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۹۱). حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، کمیته بین المللی صلیب سرخ، چ دوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

(ب) مقالات

۱. بررسی اقدامات تلافی جویانه علیه اموال فرهنگی در حقوق بین الملل بشردوستانه (نویسندگان: مهتاب دقیق و سید حسام الدین لسانی فصلنامه مطالعات حقوق عمومی شماره ۴ زمستان ۱۳۹۸)

۲. راهکارهای حمایتی حقوق بین الملل عرفی از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه (نویسندگان: مجید زحمتکش و علیرضا آرش پورمجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز شماره اول بهار ۱۳۹۶)

۳. نگاهی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ (نویسنده: یونس صمدی)



۴. حمایت حقوق بین الملل از میراث فرهنگی در زمان اشغال نظامی باتاکید بر مسئولیت ایالات متحده آمریکا در دوران اشغال نظامی عراق (نویسندگان: سید حسام الدین لسانی نشریه مطالعات حقوقی پاییز ۱۳۹۴)